

کردستان

ارگان حزب دموکرات کردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۵۲ | یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۲ | ۶ آگوست ۲۰۲۳
تامین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

پیام کاک مصطفی هجری در رابطه با آتش‌سوزی جنگل‌های کردستان

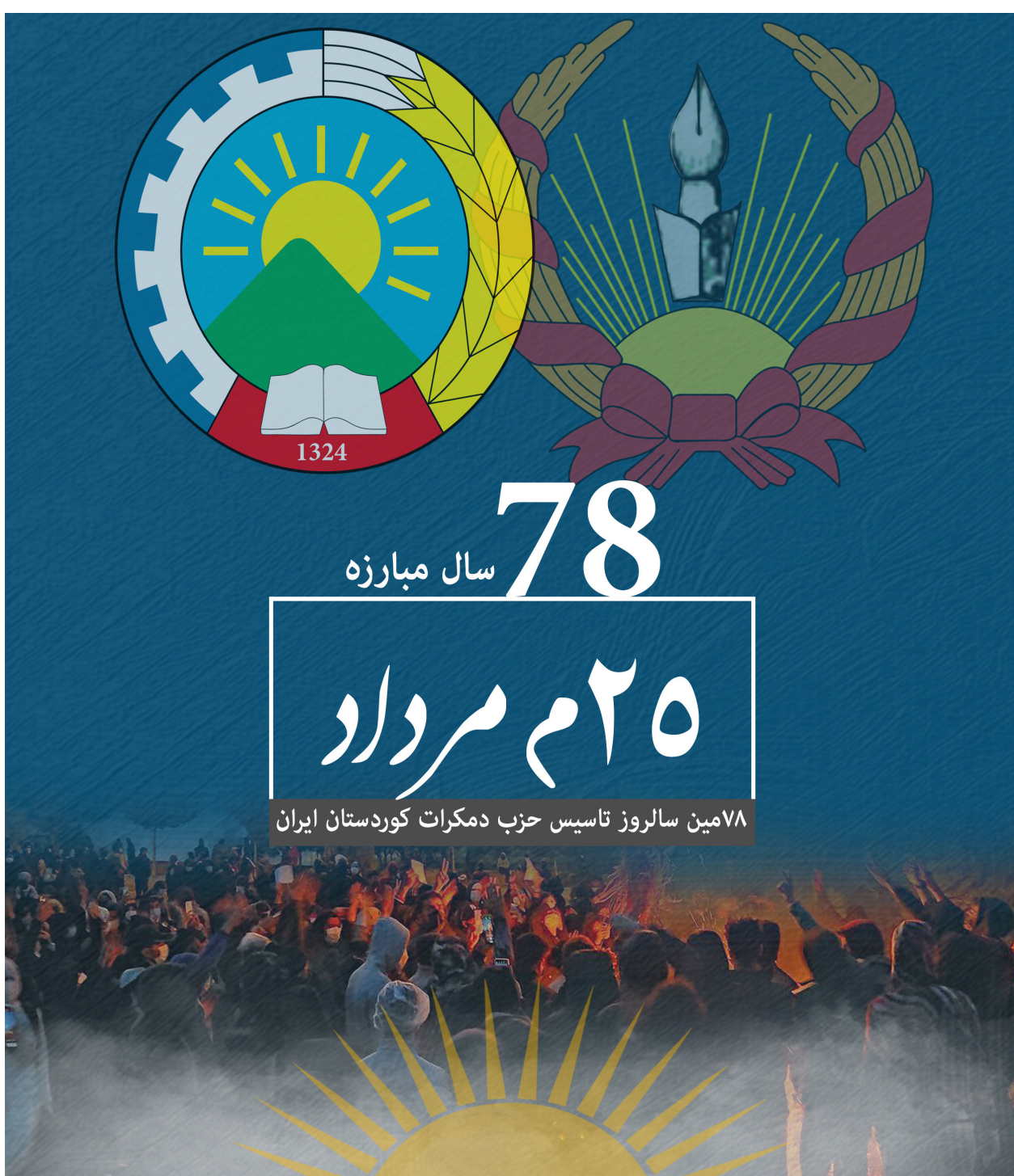
به آتش کشیدن جنگل‌های کردستان ایران، تنها نشان از آتش کینه و دشمنی و هدف قرار دادن محیط زیست کردستان از سوی رژیم ضد مردمی و ضد محیط زیستی جمهوری اسلامی ایران دارد. طی چند روز گذشته، جنگل‌های مریوان و مناطق اطراف آن، به صورت مشکوکی طعمه حریق شده و هر لحظه در حال گسترش است. علیرغم تلاش‌های بی‌وقفه و داوطلبانه حافظان محیط زیست منطقه و مردم شهرهای دیگر کردستان که خود را به محل وقوع آتش‌سوزی رسانده‌اند، متأسفانه آتش‌سوزی جنگل‌ها همچنان ادامه دارد و تا از یک طرف مهار می‌گردد، شعله‌های آتش از سویی دیگر زبانه می‌کشند. تجربه گذشته این واقعه را اثبات نموده، تنها نیرویی که اراده صیانت از خاک و محیط زیست کردستان را دارد، نیروی مردم و جامعه کردستان است. لذا صیانت از محیط زیست، محافظت از خاک و محیط زیست و زیبایی‌های مبین است. بدون شک صیانت از میهن و مبارزه و مقابله با آتش دشمن، نه تنها وظیفه‌ای اخلاقی و ملی است، بلکه وظیفه‌ای انسانی نیز است که آحاد جامعه کردستان در مقابل آن مسئول هستند. تلاش‌های محیط‌بانان مریوان و همکاری فعالان محیط زیست مناطق دیگر کردستان برای مهار آتش، شایان تقدیر است. وظیفه تمام کردستانیان بوده که به هر نحو ممکن برای مهار آتش‌سوزی به یاری مردم مریوان و مناطق اطراف آن بشتابند.

مصطفی هجری
مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کردستان ایران
۱۵ مرداد ۱۴۰۲ شمسی



مبارزه در راه اهداف ملی

راز محبوبیت و جاودانگی حزب دمکرات است



ژینا امینی تنها یک نام نیست

مصدیقی از جنایات سیستماتیک رژیم علیه بشریت است

در پارلمان نیوزلند و طی جلسه‌ای رسمی و در مقابل سفیر جمهوری اسلامی، رژیم ایران به دلیل جنایات و انسان‌کشی‌هایش رسوا شد.

در این جلسه که روز پنجشنبه، ۱۲ مرداد برگزار شد، گلریز قهرمان، نماینده ایرانی تبار پارلمان نیوزلند با اشاره به تداوم شکنجه و آزار سیستماتیک جمهوری اسلامی علیه زنان و زندانیان سیاسی، سرکوب جنبش‌های اعتراضی و کشتن زندانیان سیاسی در زندان و بازداشتگاه‌های مراکز امنیتی رژیم را محکوم و با مخاطب قرار دادن رضا نظراآهاری، سفیر ایران در این کشور گفت: "ژینا امینی تنها یک نام نیست، بلکه مصداقی از تمام جنایات سیستماتیک رژیم ایران علیه انسانیت می‌باشد."

در این جلسه ابراهیم عمر، تنها نماینده مسلمانان نیوزلند در پارلمان این کشور گفت: جمهوری اسلامی ایران از میانی دین اسلام برای شکنجه و بازداشت و کشتن زنان و محدود کردن آزادی‌های سیاسی و مدنی جوامع ایرانی استفاده‌ی ابزاری می‌کند. خانم گلریز در ادامه‌ی این جلسه عکسی از ژینا امینی بر روی تخت بیمارستان را برداشته و جلو سفیر ایران قرار داد و گفت: وقتی جواب سوالات ما را می‌دهی، به چشمان ژینا بنگر. او تنها فردی نیست که در نظام غدر و جنایاتکارانه شما کشته شده باشد، بلکه یکی از صدها هزار کسانی است که بی‌گناه و صرفاً به دلیل حق‌طلبی قربانی سیاست‌های شما شده است.

زخمهای بر پیکر وطن و پیشمرگه‌هایش



(صدها هکتار از جنگلهای مریوان در آتش سوخت)

علیرغم تلاش فعالان محیط زیست و اعضای سبز چپای مریوان برای کنترل آتش سوزی جنگلهای مریوان اما مناطق بسیار وسیعی از این جنگلها طعمه آتش شد. بر اساس گزارش انجمن سبز چپای مریوان آتش سوزی در جنگلهای گوماره‌لنگ، ماسیبه‌ر و کولیت روی داده است. شماری از تیمهای این انجمن به محل حادثه اعزام شده‌اند. اما بعلت شدت آتش سوزی از شهرهای، سقز، بانه و سنه و پناه تیم هایی از فعالان محیط زیست به یاری مردم مریوان شتافته‌اند. این تیمها از کمترین امکانات اطفای حریق بهره‌مند بوده و ارگان و نهادهای رژیم در سکوت مطلق بوده و تنها نظاره‌گر آتش سوزی هستند.

ناظران سیاسی بر این باور هستند این اغلب این آتش سوزیها عمدی بوده و از سوی عوامل رژیم ایران و نهادهای امنیتی بمنظور اهداف سیاسی-امنیتی و در راستای دشمنی آشکار با جنبش حق‌طلبی کردستان و سیاست زمین سوخته صورت می‌گیرد.

۶۰ کولبر در کردستان کشته یا مجروح شدند

طی ۴۵ روز گذشته، حداقل ۲۵ کولبر و کاسبکار مناطق مرزی کردستان با شلیک نیروهای رژیم ایران کشته یا مجروح شدند.

کشته و مجروح شدن این ۲۵ کولبر در حالی است که طی سه ماه بهار سال جاری نیز ۲۵ کولبر و کاسبکار دیگر مناطق مرزی کردستان قربانی سیاست‌های مرتجع و ناقض حقوق بشری جمهوری اسلامی علیه ملت کورد شده بودند. با احتساب این آمار شمار کولبرانی که در سال جاری در پی شلیک نیروهای جمهوری اسلامی تاکنون کشته یا مجروح شدند، به ۶۰ تن رسیده است.

در سال گذشته نیز ۲۲۵ کولبر و کاسبکار کورد در پی شلیک مستقیم، انفجار مین، سقوط از ارتفاع به دلیل تعقیب نیروهای جمهوری اسلامی و همچنین در اثر سرمای شدید زمستان کشته یا زخمی شده بودند. از این ۲۲۵ قربانی سال گذشته، ۲۹ تن آنان کشته و ۱۹۶ تن از آنها نیز زخمی شده بودند.

اعدام ۶۱ زندانی طی تنها یک ماه گذشته

طی یک ماه گذشته حداقل حکم اعدام ۶۱ زندانی در زندان‌ها جمهوری اسلامی ایران اجرا شده که اجرای حکم ۴ تن از آنان در شهرهای شیراز و فولادشهر در ملاء عام بوده است.

طی یک ماه گذشته حکم اعدام حداقل ۱۲ زندانی بلوچ و ۱۱ زندانی کورد اجرا شده که نزدیک به ۴۰٪ از آمار اعدام‌های اخیر را شامل می‌شود. همچنین طبق اخبار منتشره ۵۱٪ از اعدام شدگان با اتهام حمل و قاچاق مواد مخدر اعدام شده‌اند. اعدام ۶۱ تن تنها ظرف یک ماه گذشته در حالی است که در ماه گذشته نیز حداقل ۵۲ زندانی در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام شدند. آمار اعدام شده‌گان کردستان طی یک سال گذشته (۱۴۰۱) نیز حداقل ۸۷ تن بود.

خالد عزیزی:

نخواستہ و نمی‌خواهیم اقلیم کوردستان را پشت جبهه‌ی عملیاتی خود علیه رژیم ایران سازیم



آقای خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران، شامگاه دوشنبه دوم شهریور ماه در مصاحبه با شبکه‌ی خبری "رووداو" به مجموعه پرسش‌هایی در رابطه با مسئله‌ی وضعیت امنیتی حزب دموکرات پاسخ گفت و سیاست‌های حزب در خصوص حملات و تهدیدات جمهوری اسلامی و چگونگی توافق امنیتی میان ایران و عراق و پیامدهای آن نسبت به اپوزیسیون جمهوری اسلامی در اقلیم کوردستان توضیح داد. "کوردستان مدیا" محتوای پاسخ‌های سخنگوی حزب دموکرات را در چند محور کلی برای خوانندگان خود ارائه داده‌است:

مهلت تعیین شده‌ی سپاه پاسداران برای عراق و اقلیم کوردستان

تا آنجا که به ما مربوط می‌شود، در واقع رهبری و اعضا و بخشی از مؤسسات حزب در خاک کوردستان و عراق عمدتاً مدنی هستند. سعی ما همیشه بر این استوار بوده که در امور داخلی عراق دخالت نکرده و به حاکمیت عراق و قوانین حکومت اقلیم کوردستان احترام بگذاریم. در پرتو این سیاست کلی، حزب دموکرات کوردستان ایران می‌کوشد به اتفاق حکومت اقلیم کوردستان راه چاره‌ای درخصوص بحران پیش‌رو بیابد. بخشی از بهانه‌های واهی ایران آنست که ما از خاک اقلیم به آنسوی مرز نیروی پیشمرگ فرستاده و اقدام به عملیات نظامی می‌نماییم. در حالیکه شالوده‌ی حزب دموکرات کوردستان ایران از همان ابتدا به عنوان یک تشکل بر فعالیت‌های سیاسی استوار بوده و واقعیت امر این است که پس از برسرکار آمدن جمهوری اسلامی و شکست مذاکرات ما با تهران و بعد از یورش سپاه و ارتش ایران، مردم ناچار به دفاع از خود شده‌اند.

اکنون و درحالیکه در داخل کشور مبارزه و فعالیت گسترده‌ی مدنی، قانونی و توده‌ای در جریان است، حزب دموکرات نیازی نمی‌بیند که نیروهای پیشمرگ خود را به حرکت درآورد. علاوه بر اینها ما معتقدیم که مسئله‌ی کورد در ایران راه‌حل نظامی ندارد. از همین رو ما اخیراً نه نیروی پیشمرگ به داخل ایران اعزام کرده‌ایم و نه قصد داریم اقلیم کوردستان و خاک عراق را به پشت جبهه‌ای برای مبارزه و فعالیت‌های خود علیه جمهوری اسلامی تبدیل نماییم. به همین جهت ما پایبندی کامل خود را به قوانین بین‌المللی و پرنسپ‌های سیاسی عراق و اقلیم کوردستان حفظ کرده‌ایم و در راستای این امر نیز حکومت عراق تصمیم گرفته که مرزبانان خود را در مرزها مستقر نماید.

حکومت عراق و اقلیم کوردستان نیز قانوناً حق دارند که مرزبانان خویش را در مناطق

مرزی مستقر نمایند. اینجا عراق است و ما در این امر دخالتی نداشته و در هر نقطه‌ای از مرز که مرزبانان حکومت عراق حضور داشته باشند از نظر ما عادی و قابل قبول می‌باشد. زیرا آزمون حکومت عراق نیز مطمئن خواهد شد که حق با ما است. بدیهی است که همه‌ی اینها بهانه‌جویی جمهوری اسلامی است و ما حاضریم در این رابطه چاره‌ای بیابیم که در چارچوب سیاست عراق و اقلیم کوردستان دقیقاً "دفع الشر" باشد در مقابل بهانه‌جویی‌های ایران علیه بغداد، اقلیم کوردستان و ما.

مسئله‌ی خلع سلاح حزب دموکرات

اوضاع عراق به گونه‌ای است که افراد بسیار و همه‌ی نیروها و جریان‌های سیاسی در اینجا مسلح هستند. در عراق گروه‌های مسلح متعددی وجود دارد. آمریکا مسلح است، جریانات عراقی و نیز نیروهای کورد مسلح هستند. اما مسلح بودن ما صرفاً جهت حفاظت از خویش بوده و این موضوع به مسئله‌ی امنیت و حراست از مراکز مدنی ما گره خورده است. مراکز مدنی یادشده بدون تردید به محافظت نیاز دارند. ما پیشتر، ۱۰-۱۲ سال پیش در تماس‌هایی با حکومت عراق این مسائل را با آنها در میان گذارده‌ایم. من شخصاً با یکی از نخست‌وزرای عراق در بغداد ملاقات کرده و به وی توضیح دادم که شما با پیشینه‌ی حزب دموکرات کوردستان ایران آشنا بوده و می‌دانید که حزب دموکرات حزبی است که با احساس مسئولیت در اینجا حضور دارد. ما هرگز در صد ایجاد مشکل نیستیم و در امور داخلی عراق دخالت نمی‌کنیم و حتی اگر می‌توانید حرف خیری برای حل مسئله‌ی کورد در ایران داشته باشید، از طرف حزب دموکرات مختارید که آنرا دنبال کنید. یعنی حکومت عراق و بخش عمده‌ای از نیروهای سیاسی با تاریخ جنبش کورد در ایران و حزب دموکرات کوردستان ایران آشنا هستند. به همین دلیل من معتقدم که بغداد تا حد بسیاری با سیاست‌های ما آشنا بوده و می‌داند که ما یک حزب منطقی هستیم و به حاکمیت عراق احترام می‌گذاریم و در آینده نیز موجب ایجاد مشکل برای حکومت عراق و نیز اقلیم کوردستان نخواهیم بود.

راه‌حل مشکلات کورد و حاکمیت تهران

اساس تأسیس حزب دموکرات بر پایه‌ی مسئله‌ی ملی و موضوع کورد بنا نهاده شده‌است. حزب دموکرات راه حل را در آن می‌بیند که دموکراسی در ایران استقرار یابد و گذشته از اینکه آینده‌ی ایران چه خواهد شد، ما مایلیم که تهران به خواسته‌های ما توجه کرده و به آنها احترام بگذارد و حداقل

از این خواسته‌ها اجابت گردد. ما معتقدیم که در تهران همه به یک شیوه نمی‌اندیشند و شاید در درون جمهوری اسلامی نیز باشند کسانی که بسان سپاه پاسداران فکر نکرده و معتقد باشند که این نظام برای مردم ایران مشکل ایجاد کرده و کورد و خود را نیز دچار معضل کرده‌اند.

من معتقدم که این مباحث و نوع تفکر در آینده بیشتر مطرح خواهد شد، ولی مجدداً تأکید می‌کنم که جنگ و حمله‌ی موشکی و پهلپادی و قتل و اعدام و سرکوب در داخل راه حل نیستند. دلیل آن نیز روشن است: جمهوری کوردستان ساقط شد، ولی جنبش به قوت خویش باقی ماند. بعد از جمهوری و پس از بر سرکار آمدن جمهوری اسلامی و در پی شکست مذاکره با هیأت نمایندگی کورد که به کوردستان حمله شد، جنبش به کار خود ادامه داد. رهبرانمان ترور شدند و این جنبش و این حزب به حیات خود ادامه دادند. این موضوع، مسأله یک یا دو حزب نیست، مسأله ملتی است که در جنبش ژینا ثابت کرد که دارای مطالبات خویش بوده و آنرا دنبال کرده و در راستای آن تلاش خواهد کرد.

مناسبات حزب دموکرات و اقلیم کوردستان

حزب دموکرات کوردستان ایران با مردم کوردستان عراق و نیروهای سیاسی آن رابطه بسیار خوبی دارد. اکثر مردم اقلیم کوردستان و نیروهای سیاسی آن با تاریخ و مناسبات ما آشنا بوده و در خوشی و ناملایمات در کنار ما بوده‌اند، به همین دلیل همواره قابل احترام و تقدیر هستند. تا آنجا هم که به حکومت اقلیم کوردستان مربوط می‌شود، من معتقدم که هم ریاست اقلیم و هم هیأت دولت اقلیم با احساس مسئولیت فراوان با این موضوع برخورد کرده‌اند. در این مدت هم بغداد و هم حکومت اقلیم کوردستان این مسأله را دنبال کرده و در پی راه حلی بوده‌اند که در آن نقطه توافقی ایجاد گردد. یعنی راه حلی یافت شود که هیچ طرفی متضرر نگردد و آرامشی در این منطقه حاکم شود. تا جایی هم که به حزب دموکرات کوردستان ایران مربوط می‌شود، مجدداً بر این نکته تأکید ورزیده‌ایم که به قوانین و موازین حکومت اقلیم کوردستان و حاکمیت عراق احترام می‌گذاریم و در چارچوب این امر با احساس مسئولیت در پی یک راه حل خواهیم بود.

در پی حملات موشکی و زینها و تبعات آن کاملاً روشن شد که اکثریت قریب به اتفاق مراکز ما که مورد یورش قرار گرفت مردم عادی در آن ساکن بوده و مؤسسات مدنی حزب گوناگون در آنها مستقر هستند. اگر

قرار باشد حزب دموکرات کوردستان ایران دارای پروژه‌ی نظامی باشد، افرادی در داخل کشور وجود دارند که مسلح بوده و حاضرند وارد عمل شوند و از ما نیز خواسته‌اند که به آنها اجازه‌ی فعالیت بدهیم، ولی ما به آنها پاسخ منفی داده‌ایم. یعنی از نظر ما، این یک امر اعتقادی است. به ویژه که نمی‌خواهیم اقلیم کوردستان را به عرصه‌ی درگیری و پشت جبهه‌ی خود با رژیم ایران تبدیل نماییم.

مطالبات ایران و اقلیم توافق برسر اختلافات

تاکنون توافقی که به این معضل و موضوع خاتمه دهد، کسب نشده است. اما هم ما و هم حکومت اقلیم کوردستان و هم بغداد این مسائل را دنبال می‌کنیم. راه حل‌های گوناگونی مطرح است. بدیهی است که ایران مجموعه مطالباتی را طرح کرده و آنها را با بغداد و بغداد نیز با حکومت اقلیم کوردستان در میان گذارده است.

این گفتگوها هم اکنون نیز در جریان است و همانگونه که گفتیم ما با احساس مسئولیت به این موضوع می‌نگریم و این اکنون حکومت بغداد و حکومت اقلیم کوردستان هستند که باید در پی یک راه حل باشند.

مسئله، بهانه‌جویی‌های ایران است. به عنوان نمونه و جهت اطلاع همه در تمام مدتی که به حزب دموکرات حمله شده، پیشمرگان ما در مناطق مرزی بوده‌اند، اما این مناطق مورد حمله واقع نشده و حملات متأسفانه متوجه مراکز و قرارگاه‌های مدنی ما بوده است که محل زندگی مردم عادی و زنان و کودکان است. حال اگر ما با حکومت اقلیم کوردستان و بغداد به توافقی رسیدیم، آنگاه تعریف دیگری از تداوم بقای حزب دموکرات کوردستان ایران در خاک عراق و اقلیم کوردستان ارائه خواهد شد.

سیاست کلی ما به عنوان حزب دموکرات آنست که در چارچوب خاک عراق و اقلیم کوردستان به گونه‌ای رفتار کنیم که بخشی از راه‌حل این موضوع باشیم. در خصوص انتقال نیروهایمان از مرزها، از سوی حکومت اقلیم درخواستی به ما ارائه شده که نمی‌توانیم آنرا نادیده بگیریم. اما هنگامی که قرار است نیروهای مرزبانی در این مناطق مستقر شوند، بدین معناست که این خواست ایران که کنترل مرزه‌هایش است، تحقق یافته و بهانه‌ای برای حمله و تهدید آن باقی نخواهد ماند. ما دیری است که به صراحت گفته‌ایم علی‌رغم آنکه در داخل کشور از ما خواسته می‌شود، اما ما گفته‌ایم که نه به عملیات نظامی نیاز داریم نه سیاست ما این است. این رژیم است که از این طریق می‌خواهد انقلاب و خیزش مدنی مردم را به انحراف

بکشاند.

موضوع مذاکره با جمهوری اسلامی

ما از لحاظ پرنسپ و اصولی هیچگاه گفتگو و مذاکره را رد نکرده‌ایم. بسیار طبیعی است که میان جنبش کوردستان ایران، میان حزب دموکرات و حکومت مرکزی مذاکره‌ای وجود داشته باشد. به همین دلیل اگر جمهوری اسلامی خواهان مذاکره باشد، به عنوان پرنسپ، سیاست ما روشن است. اما سؤال این است که این خواست چیست؟ چگونه است؟ چه کسی آنرا مطرح خواهد ساخت؟ مسائل مربوط به زمان طرح این خواست و موضوعات بسیار دیگر و نکات تکنیکی همواره مورد بحث هستند. وگرنه یک حزب سیاسی که در حال مبارزه و فعالیت است و طرف مقابل آن خواستار مذاکره می‌شود، به هیچ وجه آنرا رد نمی‌کند.

اما باید بدانی که این پیام چیست؟ چه کسی آنرا می‌فرستد و توسط چه کسی؟ دلیل آن نیز اینست که در گذشته نیز چنین اقدامات و بعضاً تجارب تلخی داشته‌ایم. به عنوان نمونه در مذاکره‌ای که در وین انجام شد، زنده‌یاد دکتر قاسملو طی آن به شهادت رسید. یا مذاکراتی که چهار سال پیش در نروژ انجام پذیرفت و هیأت بلندپایه‌ای از جمهوری اسلامی در آن حضور داشته و چندین نشست نیز با یکدیگر داشتیم، اما به هیچ توافقی دست نیافتیم.

مبارزه‌ی دیپلماتیک حزب در خارج از کشور

ما در تمام طول حایت سیاسی خود برای لابیگری در اروپا و آمریکا ارزش قائل بوده‌ایم. سنگ بنای لابیگری کورد و حزب دموکرات را زنده یاد دکتر قاسملو در پاریس پی‌ریزی کرد. این برداشت و اندیشه رفته رفته گسترش یافت و اکنون مشاهده می‌کنیم که بخشی از کوردستان و به ویژه کوردستان عراق از آن نتایج آن بهره گرفته‌اند.

در آمریکا تا آنجا که به راه‌حل‌ها مربوط می‌شود و تا جایی که به ما ارتباط پیدا می‌کند، طرف‌های آمریکایی حزب دموکرات را یک حزب منطقی و هوادار دموکراسی و ضد تروریسم می‌داند؛ حزبی که موافق اداره‌ی همه‌جانبه‌ی ایران است. به همین دلیل بسیاری از مؤسسات در آمریکا به ما توجه دارند و ما نیز در آنجا تلاش کرده‌ایم افراد بیشتری را بیابیم تا نسبت به مسأله‌ی ما و حقوق ما در آینده‌ی ایران بی‌تفاوت نباشند. اما آمریکا و جامعه‌ی جهانی متأسفانه با موضوع پروژه‌ی اتمی ایران و نیز اوکراین بسیار درگیر هستند، به همین دلیل شاید مسأله‌ی ما فعلاً در الویت کارهای آنها قرار نداشته باشد.

جسم زنان در حکومت اسلامی



آگری اسماعیل نژاد

پدید آوردگان جمهوری اسلامی در آغاز قدرت گرفتن خود روی دو کارکرد مانور می‌دادند:
۱: تحقق حکومتی عاری از فساد و تبعیض و کارآمد از لحاظ خواست‌های این جهانی (در اینجا جهان به معنی دینی آمده و در برابر آخرت قرار داد).

۲: تحقق جامعه‌ای خالی از گناه و ایجاد یک زمینه اجتماعی و عمومی برای رفتن مسلمان به بهشت در آن جهان یا آخرت.

بر همین اساس است که اولین سرود ملی جمهوری اسلامی، بیت اولش چنین بود: "شد جمهوری اسلامی به پا هم دین دهد هم دنیا به ما"

در پروسه زمان و مدت حکومتداری اسلامی در ایران، افغانستان، و حکومت نیمه اسلامی ترکیه مشخص شد که حکومت اسلامی فاقد کارکرد این جهانی است و توانایی آن را ندارد، زندگی این جهانی را سروسامان بدهند، و در زمینه تحقق توسعه، فقرزدایی، حل بحران‌های محیط زیستی، تساهل با جامعه جهانی و حتی ایجاد حکومت اسلامی با معیارهای اخلاق اسلامی ناتوان هستند.

در شرایط کنونی تبعیض، فساد در ایران در سطحی قرار دارد، که حتی خود مسئولین جمهوری اسلامی نمی‌توانند آن را انکار کنند و سالانه دهها پرونده فساد مسئولین گذشته جمهوری اسلامی در دادگاههای این حکومت حکم داده می‌شوند؛ پس در عمل حکومت اسلامی کارکرد اولش را از دست داد، یا اصولا کارکرد اولش یک پروپاگاندا بیشتر نبود و نیست.

اما کارکرد دوم این حکومت یعنی تحقق جامعه‌ای بدون گناه و ایجاد زمینه رفتن مسلمانان به بهشت به دو بخش تبدیل شده است:

در بخش اول حکومت به مانند اجراء کننده حدود اسلامی بر گناهکاران عمل می‌کند، این حدود شامل شلاق زدن، سنگ‌سار و قطع عضو... است، اجراء چنین احکامی برای یک حکومت اسلامی در واقع تلاشی است، برای وانمود کردن این مسئله که زمینه گناه در عرصه زندگی خصوصی را محدود می‌کند، پس لازم نیست مسلمانان نگران باشند، چون حکومت تلاش می‌کند همه را به بهشت بفرستد.

در بخش دوم حکومت اسلامی تلاش می‌کند، عرصه عمومی از جنبه گناه و حرام نیز کنترل کند. که در این زمینه دهها قانون و دستور العمل مختلف را صادر کرده و کلیت حکومت اسلامی ملزم به اجراء این قوانین هستند. می‌توان به قانونین بستن رستورانها و غذاخوری‌ها در ماه رمضان اشاره کرد. یا جرم انگاری فردی که در ماه رمضان در مکان‌های عمومی چیزی می‌نوشد یا می‌خورد.

وقتی مسئله کنترل گناه در عرصه عمومی مطرح می‌شود؛ موضوع جسم زن هم به میان می‌آید، چون جسم زن در نگاه اسلامی محرک گناه است و اگر این جسم پوشیده نباشد، می‌تواند محرک مردان شود و این یعنی زمینه گناه در جامعه را افزایش می‌دهد. مسئله محرک بودن جسم زنان برای مردان بحدی بدهی تلقی شده است که در تمامی بنرهای تبلیغاتی برای حجاب به این مسئله اشاره می‌شود.

بر همین اساس جسم زن در نگاه حکومت اسلامی عاملی برای جلوگیری از تحقق آرمان‌های این حکومت قلمداد می‌شود، و به این دلیل هم هست که طالبان اجازه تحصیل به زنان نمی‌دهد و خامنه‌ای اجازه کار زنان را با روش‌های پیچیده قانونی و اداری محدود می‌کند. چون زنان تحصیل کرده خواهان حضور بیشتر در جامعه هستند و این حضور می‌تواند کارکرد حکومت اسلامی که فرستادن مسلمان به بهشت هست را به چالش بکشد.

در واقع جسم زن در حکومت اسلامی یک مسئله کلان امنیتی است، چون کارکرد این نوع حکومت را به چالش می‌کشد و بر همین اساس هم حاکمان جمهوری اسلامی چنین در برابر زنانی که خواهان تعیین پوشش خود هستند، بر آشفتنند.

با این کارکرد که حکومت اسلامی برای خود تعریف می‌کنند، باید گفت امیدی نیست که در حکومت‌های اسلامی تبعیض علیه زنان کاهش پیدا نکند.



گفتگو: جاوید شنۆ

چند روز پیش خبری منتشر گردید که یکی از مدارس استان سنه (سنندج) به نام مدرسه "آرتینا" به علت این که در انقلاب ژینا از خواست برحق مردم حمایت کرده است از سوی وزارت آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی ایران با ابطال مجوز مواجه شده است. بنا به ادعای وزارت آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی ایران مدرسان و دانش آموزان این مدرسه از انقلاب "ژینا، آزادی، حمایت کرده‌اند. کوردستان میدیا" وب سایت رسمی حزب دموکرات کوردستان ایران از طریق خبرنگار خود با یکی از مدرسان این مدرسه مصاحبه‌ای کتبی ترتیب داده است که توجه شما را به متن کامل آن جلب می‌نمایم. به علت این که هویت این مدرس مدرسه "آرتینا" فاش نشود و مشکل امنیتی برای ایشان و سایر مدرسین و دانش آموزان ایجاد نگردد وب سایت "کوردستان میدیا" با حفظ اصول امنیتی و اخلاقی هویت آن را نزد این وب سایت محفوظ داشته است.

غیر ممکن بود انسانی چنین قساوتی را ببیند و از این موضوع غمگین، خشمگین و برآشفته نباشد.

-آیا به نظر شما این تفسیر درست بوده که رژیم به طور سیستماتیک این مدرسه را در کوردستان ایران تعطیل نموده است؟

در تعطیلی این مدرسه از اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ سنندج و مدیریت اسبق محمدسعید کنعانی، حراست ناحیه ۲ سنندج جواد ضیایی، مشارکت‌های ناحیه ۲ سنندج محمدطیب علیرضایی تا هاشم ناظمی جلال مدیرکل اداره کل آموزش و پرورش کوردستان و اداره مشارکت‌های مردمی آن به مدیریت سید کامل حسینی و همچنین شورای نظارت استان به ریاست عطالله فروتن پژوه و حراست کل اداره آموزش و پرورش سیروس ساعد پناه نقش مستقیم در تعطیلی این دو دوره مدرسه داشته‌اند. که شوربختانه پس از تأیید وزارت آموزش و پرورش و ارسال نامه نهایی، دستور لغو مجوز و تعطیلی دائم این دو دبستان برتر در استان صورت گرفت.

-نظر خود را به عنوان یک مدرس برای ما بیان کنید

مدارس نبض تپنده هر جامعه‌ای هستند که وظیفه تربیت شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق را به عهده دارند؛ و تعطیلی آن‌ها منجر به ایجاد ناامیدی و سرخوردگی به طور کل در جامعه شده و مانعی بر توسعه و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون خواهد شد. به ویژه مدارس خلاق که با کمک معلم‌های آگاه و دانا با پرهیز از خشونت و رواج مهربانی، شادی، نشاط و دوستی را به کودکان هدیه می‌کنند.

تعطیلی این مدارس به طور اخص، تأثیری مخرب بر روان کودکان، خانواده‌ها، معلمان و پرسنلی که تنها منبع درآمدشان از این مدارس است را به دنبال خواهد داشت. لازم به ذکر است آثار چنین اقدامات نابخردانه‌ای قطعاً دامان حکومت‌های خودکامه‌ای را خواهد گرفت که به جای تکیه بر قانون و توجه به چشم اندازهای لازم و عشق ورزی به انسان‌ها، چنین اقدامات حقیرانه‌ای را رقم می‌زنند.

در سیستم رژیم ایران با چه موانعی روبرو بود؟
خوشبختانه با توجه به اینکه کودک بودند در فضای مدرسه اجباری به رعایت حجاب نداشتند و آنگونه که احساس راحتی می‌کردند، رفتار می‌کردند. مشکل مدارس زمانی ایجاد می‌شد که کارمندان متعصب و متحجر آموزش و پرورش وارد مدارس می‌شدند.

مدرسان مدرسه شما تحت چه شرایط روحی و روانی از نظر فشارهای امنیتی نهادهای رژیم کار می‌کردند؟

عدم رعایت قانون و تخلفات متعدد و اعمال سلیقه شخصی از طرف نیروهای خودسر مدیریت اداره آموزش و پرورش، کارشناس مشارکت‌های ناحیه و اداره کل به ویژه حراست آموزش و پرورش ناحیه ۲ سنندج که فردی کم تجربه و ناآگاه است؛ به شکلی آزاردهنده و بیمارگونه کارکنان را می‌آزرد. کارهای غیر قانونی آشکار مانند عدم صدور ابلاغ مدیر علیرغم درخواست موسس به طوریکه از مهر ماه تاکنون مدیر دبستان ابلاغ دریافت نکرده است، مسدود ساختن سایت‌های سیدا و سنجش جهت ثبت نام و یا سایر انجام کارهای اداری بوده است.

این عدم رعایت قانون، باعث ایجاد عدم امنیت در پرسنل مدرسه شده و شوربختانه با ایجاد استرس آنها را بشدت تحت فشار قرار می‌دادند.

پرونده سازی برای مدرسه شما از سوی رژیم ایران به سبب حمایت از انقلاب ژینا بوده است، چرا؟

آیا می‌شود مرگ جوانان وطن را به خاطر قوانین متحجر دید و سکوت کرد؟ هیچ وجدان بیداری تحمل نخواهد کرد. نسل جوان در هر جامعه‌ای سرمایه‌های انسانی آن جامعه محسوب می‌شوند. برخلاف عده‌ای که برطلا، زمین و یا دلار سرمایه گذاری می‌کنند؛ من معتقدم که سرمایه واقعی هر جامعه جوانان آن هستند و باید بر آنان سرمایه گذاری نمود. بنابراین با انتشار استوری و پست‌های اعتراضی به قتل‌های حکومتی، سعی کردیم اعتراض خود را به این موضوع نشان دهیم.

در انقلاب ژینا دانش آموزان و معلمان این مدرسه چه نقشی داشتند؟

آیا می‌شود مرگ جوانان وطن را به خاطر قوانین متحجر دید و سکوت کرد؟

درباره ایده تاسیس دبستان آرتینا در سنه برای ما بگویید.

این دبستان در سال ۱۳۸۹ توسط خانم سپیده صفاریان کارشناس ارشد آسیب شناسی ورزش و حرکات اصلاحی در شهر سنندج تاسیس گردید. ایده تاسیس این دبستان پس از انجام یک پژوهش توسط موسس و همکارانش در میان ۱۵۰۰ دانش آموز دختر در شهر سنندج و مشاهده نتایج نگران کننده آن موجب ایجاد آن گردید و هدف نیز پیشگیری از دفورمیتی‌های ساختار قامت دختران که به خاطر فقر حرکتی (کم تحرکی دختران نسبت به پسران)، فقر فرهنگی (جامعه ی مردسالار و محدودیت فعالیت‌های حرکتی دختران)، نوع پوشش (پوشش اجباری که مانع مشاهده مشکلات اسکلتی دختران می‌شد)، عدم آگاهی اولیا خانه و مدرسه (نداشتن دانش تخصصی در مورد مشکلات ساختار قامت کودکان) با انجام فعالیت های ورزشی بوده است.

یکی از مسائلی که بدان اشاره نمودید مشکلات فیزیکی دختران زیر پوشش حجاب پنهان شده بود راهکار شما برای رفع این مشکل چه بود؟

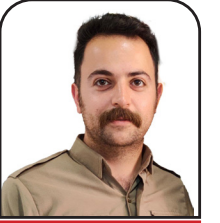
فراهم نمودن فضا و برگزاری کلاس‌های رشته‌های ورزشی چون ژیمناستیک، شنا، بدمینتون، دو میدانی و بسکتبال در کنار سایر دروس مانند ریاضی و دیکته و... که کودکان در فضاهای مناسب بدون پوشش محدود کننده، آزادانه فعالیت نمایند.

این عیب و نقص فیزیکی چه تأثیری بر آینده زندگی شخصی و مشترک دختران داشت؟

تغییر حالت ساختار قامت کودکان در اثر عادات غلطی مانند بد نشستن، غلط خوابیدن، حمل کیف های سنگین و ... باعث ایجاد مشکلات زیادی در آینده آنان خواهد شد، به ویژه اینکه دختران نیمه موثر جامعه را تشکیل می‌دهند و نقش مهم مادر را در خانواده ایفا می‌کنند. هر چه مادر از سلامت بیشتری برخوردار باشد؛ نقش مهمی در تربیت فرزندان آگاه و سالم در یک جامعه ی پویا را خواهد داشت.

مدرسه شما با رفع مشکل حجاب آن هم

بایسته‌ای که زودتر می‌بایستی!



زانیار حسینی

در روزهای اخیر حزب دموکرات کوردستان ایران با باور بر اصول و مبادی حقوق بشر، پایه‌های آزادی و گونه‌های متفاوت آن، پیامی شایان درخور به بخشی از ملت کورد باورمند به مذهب تشیع فرستاد که به نوبه‌ی خود، یادوار تضمین و تاکید بر مبادی اساسی دموکراسی، اصول آزادیهای فردی و جمعی، پذیرش و احترام به باورهای متفاوت، محترم شمردن مناسک متفاوت عقاید موجود در جامعه مورد نظر است.

در حقیقت اصلین تلاش یک جنبش ملی- دموکراتیک، کوشش و اهتمام ورزیدن در راستای احقاق حقوق ملی است که در برگیرنده مجموعه‌ای از چارچوب‌های پازل مانند در جهت تکمیل نقش اصلی برای درک درست اهداف و عملی نمودن آنها می‌باشد. در این باره می‌توان به بعضی از پارلهای مهم چنین نقش و صورتی در چند مورد اشاره نمود. اولاً ایجاد و گسترش ساختارهای اجتماعی در بازسازی آزادیهای بنیادین که با بازآرایی آرایشهای شکل گرفته در سطوح مختلف جامعه به شیوه‌های مدنی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد و در صورت عدم وجود چنین بازآرایی‌هایی این مهم چون مسئولیتی جدایی ناپذیر بایستی مسبب تولید آرایشهای لازم به وسیله آموزشهای تئوریک، میدانی و مجازی شود به گونه‌ای که تولید بر بستر و ساختار طبقات اجتماعی به گونه‌ای باشد که جدای از کم نمودن فواصل طبقاتی منجر به تشکیل حلقه‌های محکم اجتماعی- فرهنگی در بین طبقات مذکور گردد و در همان حال مولد باز تولیدهای چرخه‌وار منعطف گردد که در صورت بروز انحراف یا سکون با تزریق پتانسیل‌های لازم اجتماعی- فرهنگی، حد اعتدال مطلوب را دوباره پیدا نماید. دوما تبیین و تفسیر مولفه‌های سیاسی- حقوقی بر پایه مفاد حقوق بشری بایستی به شیوه‌ای که پاسخگوی نیازهای اجتماعی- فرهنگی، سیاسی-حقوقی، تغییرات کوتاه مدت و بلند مدت اجتماعی باشد به طوریکه تغییرات برای عوامل پیشرفت کننده در زمینه‌های متفاوت همچون خوراک لازم عمل کرده و به مسیر عکس خواسته‌ها نرود. سوماً تغییر لگاریتم موجود انکار کننده حقوق شهروندی به اصول عالی و استاندارد حقوق مدنی و اجتماعی مبدل گردد تا موتور متحرکه حیات فعالانه اجتماعی در چرخش متناسب با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بماند. چهارم بایستی این نکته را به خاطر سپرد که طبیعت ساختارهای قدرت در عرصه عصر مدرن تغییر کرده و هر روز بیشتر تمایل به تغییر در زیر ساختهای فکری، تئوریک و عملی دارد؛ اگر تا دیروز نقش حاکمیت‌ها تنظیم جامعه در راستای خواسته‌های خودشان بوده است، امروزه وظیفه و نقش حاکمیتها در جهت مدیریت صحیح و اصولی منابع طبیعی، زیستی و انسانی است تا امکان تنظیم خواسته‌های اساسی و اصلی جامعه را با منابع موجود داشته باشد و در صورت ظهور خواسته یا

خواسته‌های طبقه‌ای یا طبقات اجتماعی متفاوت جامعه درصد تطابق دو وجهه را داشته باشد که بصورت مقطعی یا مستمر در وهله‌های اولیه، ثانویه و الی آخر نمایان می‌گردند. این یعنی تغییر رسالت طبقه قدرت در شیوه‌های نگرش به ساختارهای قدرت و چگونگی بهره جستن و بکارگیری ارکان قدرت؛ می‌توان گفت عصر جدید نقطه انقطاع امیال حاکمان در رابطه با چگونگی از بکارگیری قدرت و نقطه اتصال مردم به ساختارهای اعمال قدرت است تا نقش حاکمان را از رهبران بلامنارح و عاقلان همه چیز دان به مدیران نابغه و خدمتگزارانی متعهد مبدل سازد.

در جهان امروزی جنبشی توانایی پیشاهنگی در میدان خواسته‌های بر حق مردمی را دارد که افکار، اعمال و نیاتش را منطبق بر چنین خواسته‌هایی پایه گذاری نماید و با مدیریت اصولی خواسته‌ها و حوادث اجتماعی- سیاسی در جهت درست و مناسب برای هدایت چنین جنبشی گام بردارد و در نهایت پاسخی درخور شان حقوق انسانی- اجتماعی برای افراد جامعه، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی داشته باشد و امکان وصول مطالبات متنوع را سرآمد مدیریت درست و رهبری مناسب بداند.

در این راستا اقتصاد، آموزش، خدمات، امنیت و رفاه در سطر بالای خواسته‌های یک جامعه دموکراتیک قرار دارند. حال در این نوشتار مقصد اصلی ما توجه به نیازهای متنوع فرهنگی- مذهبی جامعه ملت کورد است که در واقع سطور دیگر، مطالعات راجع به مطالبات و نیازهای اجتماعی- فرهنگی را پوشش می‌دهد.

کنون که شرح وظیفه جنبش ملی- دموکراتیک کوردستان بر پایه اصول مدرنیزه شدن و بر طبق استانداردهای حقوق بشری و بین‌المللی است و این مهم توجهات را به چگونگی تعامل جنبش با تنوعات مذکور را جلب می‌نماید.

جنبش، نگاهی حاکمانه دارد یا مدیریتی؟ جنبش، پاسخگوی یکسان تنوعات فرهنگی- مذهبی است یا خیر؟ جنبش که مدعی سکولاریزم است، سکولاریزم را در جامعه چگونه معنا می‌بخشد؟ ساده تر بگوییم آیا جنبش موافق تمامی تنوعات دینی و مذهبی است یا مخالف؟ اساساً آیا سکولاریزم تابع منابع متنوع دینی است یا تنوعات دینی تابع منابع تئوریک آن؟ آیا به غیر از موافق یا مخالف بودن و یا تابعیت و عدم تابعیت راه حل دیگری هم هست؟ در پاسخ به این دست از پرسشها بایستی به مبنای سکولاریزم اشاره نماییم؛ بر کسی پوشیده نیست که مبنا و مفهوم سکولاریزم طبق اصول استاندارد تعریف شده است اما همانگونه که تمامی مفهومات و معلومات در هر حال قائم به ذات خود هستند در عین حال در جغرافیا، فرهنگ، اجتماعات و جوامع متفاوت به تعبیر و تفسیر مختلف و گوناگونی در جهان پراکتیک منتهی می‌شوند.

در رابطه با نگاه جنبش ملی- دموکراتیک حزب دموکرات کوردستان ایران بایستی گفت که حزب سکولاریزم را نه در مخالفت با تنوعات دینی و نه در موافقت با این تنوعات تعریف می‌کند بلکه حزب، نگاهی مسئولانه در رابطه با چنین نیازهای متنوع و متفاوتی دارد و با باور بر اصول

دموکراسی و آزادیهای فردی و جمعی، نقش خود را در مدیریت صحیح سیاسی- اجتماعی پایگاههای متفاوت و متنوع مردم نهاد یافته است؛ به عبارتی دیگر، جنبش ملی- دموکراتیک خود را موظف به ایجاد و احیای فضایی سالم و آزاد می‌داند که هر فرد یا گروه بر طبق موازین حقوق بشری، مفاد استاندارد حقوق شهروندی و انسانی، حق انتخاب آزادانه هر گونه از تنوعات فرهنگی- مذهبی و پایبندی تام و انجام تمامی مناسک آن را دارد به طوریکه در عرصه احترام متقابل با دیگر تنوعات، آنها را پذیرفته و این حق مسلم را برای یکایک افراد جامعه قائل باشد.

برای اشاعه چنین تفکری که سطوح بالایی از تعاملات، ارتباطات و تبادلالت عمیق اجتماعی و پیوندهای انسانی و عاطفی را می‌طلبد، یکی از ساده ترین و رایج ترین شیوه‌ها، محترم شمردن مراسمات مهم تنوعات فرهنگی- مذهبی است که می‌توان دلایل چنین لازم‌های را در چند نکته به طور خلاصه وار ذکر نمود: اولاً با ارسال پیام همدلی در روزها یا مناسبات تنوعات فرهنگی - مذهبی یا هر تنوع موجود دیگری در جامعه، فارغ از در اکثریت یا اقلیت بودنشان، جدای از ایجاد حس مشترک و عمیق با تنوع مذکور، تداعی کننده مراتب باور راستین ارکان ساختاری سیاسی به آزادیهای فردی و جمعی و اهمیت تحکیم پیوندهای سیاسی، اجتماعی و انسانی است.

دوما خارج نمودن جامعه از ایزوله شدن و جلوگیری از تک قطبی شدن تنوعات فرهنگی- مذهبی به یک تنوع یا قطب خاص است که به خودی خود امکان قیاس نامتعارف میان تنوعات را به حداقل می‌رساند و به جای تقسیم بندی تنوعات به خوب یا بد، مفید یا مضر و خیر یا شر باعث ایجاد پلهای تبادل اطلاعات میان تنوعات و حتی افراد خارج از آنها شده و چنین تنوعاتی بیشتر در راستای تغییرات مثبت و شکوفا کننده افراد گام بر می‌دارند و بجای هدایت افراد در مسیر تصببات کورکورانه یا ایجاد و گسترش محدودیتها، تلاش می‌کنند که بیشتر به ابعاد متناسب تر و منطقی تر باورهایشان توجهشان را مبدول دارند که زمینه‌های رشد و شکوفایی پیروانشان و حتی دیگر افراد جامعه را سبب می‌شود.

سوما عامل ایجاد و گسترش احساس امنیت، رضایت افراد و گروهها در چنین تنوعاتی می‌شود؛ چرا که رعایت عدالت در احترام، نوع نگرش و پذیرش همه تنوعات به یک اندازه، این پیام را به همه افراد جامعه خواهد فرستاد که فارغ از اینکه محتوا یا اصول هر گروه فرهنگی- مذهبی بر چه پایه‌ای استوار است مانع از به سرانجام رسانیدن رسالت ما نخواهد شد که همانا حق داشتن همه حقوقهای یاد شده و پذیرفته شده از طرف جنبش ملی- دموکراتیک حزب برای همه گروهها، طبقات، تنوعات فرهنگی- مذهبی است.

چهارم اگر تا دیروز تفکر حاکمان بر این باور استوار بود که تنوعات فرهنگی- مذهبی تهدیدی برای بقای آنها و ادامه سیاستهای نامتناسب آنهاست، امروزه احزاب و جنبشهای ملی-دموکراتیک بلاخص حزب دموکرات که به اصول دموکراسی و سکولاریزم باوری عمیق و

متعهدانه دارند، بر این باورند که حضور و وجود این قبیل از تنوعات نه تنها متضمن آزادیهای بنیادین است بلکه سبب ایجاد و تولید قشری آگاه، متحرک و دنبال کننده در جامعه می‌شود و این به خودی خود سبب شکل گیری منبع عظیم انسانی در لایه‌های متفاوت اجتماعی در باز تولید مولفه‌های دموکراسی و حراست از آن می‌شود و نیروی مولد اشاعه و گسترش پیوندهای عمیق انسانی و پیوندهای لازم در سطوح مختلف اجتماعی است که همچون سدی در برابر تصببات کورکورانه و جولان جریانهای تمامیت‌خواه عمل خواهند کرد که به دنبال انقیاد برده گونه جامعه هستند.

پنجما در تعریف سکولاریزم بایستی این نکته را بلاخص در رابطه با ملت کورد یادآور شد که سکولاریزم نه نفی یک یا چند تنوع فرهنگی-مذهبی و نه قبول آن به شیوه‌ای سیستماتیک و رسمی است بلکه مبنای سکولاریزم در ارکان سیاسی و اجتماعی قدرت که در باور تک افراد ملت کورد متبلور شده است به معنای پذیرش و تکریم تمامی چنین تنوعات و نیازهای فردی و گروهی است که تبعات مثبت چنین نگرشی سبب افزایش سطوح خودآگاهی و درک درست نیازها و خواسته‌های متفاوت خواهد شد.

در واقع ریشه‌های کهن تاریخی و عمیق فرهنگ دموکراسی و مبنای آن که منطبق با اقتضای زمانی و نیازهای جامعه در آداب و رسوم ملت کورد عینیت داشته است و وجود همین تنوعات بی‌شمار فرهنگی- مذهبی خود برهانی قاطع در این باره می‌باشد.

پرشنی که احتمالاً در حال حاضر امکان دارد، ذهن را به خود معطوف کند اینست که آیا حزب دموکرات کوردستان ایران می‌تواند چنین نقش مدیریتی-سیاسی را ایفا نماید؟

در واقع به دو روش می‌توان به این پرسش پاسخ داد. پاسخ اول را باید در شیوه نگرش حزب به جامعه، نیازها و خواسته‌های آنها جستجو نمود و در این باره بایستی گفت که خوشبختانه حزب دموکرات کوردستان ایران عامل اصلی ایجاد ساختار جمهوری کوردستان بوده است و سابقه یک ساله در رابطه با مدیریت سیاسی جامعه و حکومتداری دارد؛ آنچه در این باره موجود است، اسناد بی‌شمار تاریخیست که بر توانایی بالای حزب بر ایفای چنین نقشی دلالت می‌کند، حتی می‌توان به قوانین حکومت جمهوری کوردستان اشاره نمود که در مقایسه با قوانین ایران، ترکیه، عراق، حتی کشورهای خاورمیانه و بسیاری از کشورهای زمان

خود با فاصله بسیار زیادی از لحاظ دموکراتیک بودن و در مسیر دموکراتیزه شدن هر چه بیشتر قرار داشتن در صدر جدول آمار و ارقام قرار دارد. تنها رجوع به منابع آن دوره گواه و شاهد محکمی بر این ادعاست.

پاسخ دوم را بایستی در شیوه نگرش حزب به جامعه درون سازمانیش جستجو نمود و با نگاه به عملکرد حزب از ابتدای تولد و تبلورش در این هشت دهه تا به اکنون، می‌تواند راهنمای منطقی و مناسبی باشد؛ در این راستا با نگاهی بر عملکرد ذهنی و عینی حزب دموکرات در رابطه با گوناگونی‌های متنوع فرهنگی، دینی، مذهبی، اجتماعی و غیره می‌توان گفت که حزب عمیقاً پایبند و باورمند به اصول مذکور بوده است و اعتقادی راسخ به مکانیزمهای دموکراسی و دموکراتیزه نمودن ساختارهای تشکیلاتی سازمان داشته است، بطوریکه هیچ یک از محدودیتهای زمانی، مکانی در مراحل متفاوت مبارزاتی با تمامی مشکلات و حوادثش نتوانسته سد راه گسترش چنین باورهای اصولی انسانی در صفوفش گردد.

و گواه این گفته که حزب دموکرات به مبنای حقوق ملی، سکولاریزم، دموکراسی و حقوق فردی و جمعی باور دارد، همین دلیل کفایت می‌کند که در سابقه هشت دهه مبارزات ملی-دموکراتیک این ملت، فرزنداناش با تنوعات متفاوت فرهنگی و مذهبی به صفوف حزب پیوسته‌اند و در راستای عینیت بخشیدن به والاترین حقوق بر حق مبارزه نموده اند. تلورانس افسانه‌ای حاکم در جامعه ملت کورد و حزب دموکرات که احتمالاً در بین احزاب دیگر، بلاخص احزاب غیر کورد و حتی در حکومتها و ملت‌های خاورمیانه‌ای هم احتمالاً نادر است که هر یک از افراد جامعه (در لایه‌های اجتماعی جامعه ملت کورد یا در صفوف حزب دموکرات) با باورهای دینی متفاوت اعم از مسلمان (در مذاهب مختلف)، یارسان، بهایی، مسیحی، آنتیست، یهودی و غیره در جهت احقاق حقوق ملی و مردمشان در نهایت تعلق خاطر با روابط عمیق سازمانی و اجتماعی در تلاش برای نیل به مقصود والایشان هستند؛ و این تنها حاوی یک پیام شفاف و ساده است که ملت کورد با جمیع چنین تنوعات فرهنگی، دینی و اجتماعی متصور و قابل تعریف است و هر زمان که جنبش در عبور از مسیر دشوار مبارزه و سختی‌های پیش رو و یا به هر دلیل از یادآوری مراتب محترم شمردن مناسبت یک تنوع فرهنگی-مذهبی و ابراز همدلی درنگ نمود ، بایستی گفت: بایسته‌ای که زودتر می‌بایستی! ولاغیر.

Mustafa Hijri
@MustafaHijri

نه‌ورۆ ٦ی مانگی گه‌لاوێژی ١٤٠٢ی کۆچی به‌رانبه‌ره له‌گه‌ڵ ١٠ی مانگی محه‌ره‌م رۆژی شه‌هید بوونی ئی‌مام حوسین. په‌په‌ره‌وانی ئایینی شیعه هه‌موو سالیکی له‌و رۆژه‌دا به‌به‌رپه‌وه‌بردنی رۆپه‌ه‌سه‌می ماته‌مینی، یادی ئه‌و رۆژه ده‌که‌نه‌وه. به‌م بۆنه‌وه له‌لایه‌ن حیزبی دیمۆکراتی کوردستانی ئێ‌رانه‌وه سه‌ره‌خۆشی خۆمان پێشکەش به‌هه‌موو په‌په‌ره‌وانی ئایینی شیعه، به‌تایبه‌ت هاو‌نیشته‌مانانی کوردی شیعه‌مان له‌ ئێ‌ران ده‌که‌ین.

مثل هم نیستیم



کیوان درودی

درک نادرست از مناسبات موجود در ایران، بین آنچه مرکز و پیرامون خوانده می‌شود، موجب شده تا

مثال یک بهایی تا زمانی اعتراض کند که هویت خود را همتای ایرانی‌بودگی تعریف کند و تضمین عدم تکرار تجربه زیسته را جستجو نکند و یا چاره‌جویی آن را به "نیروهای برنده" واگذار کند. طبیعتاً بهایی‌ها با ماشین سرکوب سه حکومت قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی، علیرغم تمام موفقیت‌ها بازهم از انسجام تشکیلاتی، مالی، سیاسی و .. لازم برای دستیابی به امکان مشارکت سیاسی مستقل ندارند. آیا آن‌ها نباید نگران باشند از فردایشان در کشوری که به قول همایون کاتوزیان، پژوهشگر و جامعه‌شناس که می‌گوید "همواره آنکه زور شمشیرش بیشتر بوده حکم رانده"؟! آیا وجود موسسات مدرن در ایران که شالوده ظهور و تثبیت تمامیت‌خواهی اتنیکی-مذهبی بوده، بار دیگر یک اقلیت را به واسطه "زور عریان" بر کرسی نخواهند نشاند؟ اگر بپذیریم که ژاندارمری، توسعه مخابرات و راههای ارتباطی، بیش از میزان ارائه خدماتشان به امنیت اجتماعی، توسعه ارتباطات و سهولت دسترسی، به ترتیب به ارتباط شبکه‌ای نهادهای امنیتی سرکوبگر، توان جمع و تمرکز فوری قوه قهریه برای تحدید تجمعات مدنی و اعتراضی و انتقال سریع تجهیزات و نیروی نظامی قدرت حاکم یاری رسانده، پس لاجرم باید پذیرفت که عاملیت یافتن مردمی در سطح فردی و جمعی بدون لحاظ نابرابری‌ها در معرض تهدید خواهند بود.

از سویی دیگر فرآیند صدساله شیطان‌سازی (Demonization) را باید نادیده بگیریم که به طور مستمر بخش عظیمی از ردیف‌های بودجه رسانه‌ها -من جمله سینما- را به انگ‌زنی و تخریب گروه‌های مخالف هویتی، سیاسی و طبقاتی و جنسی اختصاص داده است. همانگونه که "پروژه کشف حجاب" به عنوان بی‌حجاب‌سازی آمرانه با تکیه بر تبلیغات دربار انجام گرفت؛ پس از ۵۷ نیز "قانونی کردن حجاب" بدون تخصیص اعتبار هنگفت غیرممکن بود. به یاد داشته باشیم که تقسیم مخالفان به ارتجاع سرخ و سیاه "ضدمیهن" پیش از ۵۷ و انکار و تخریب مخالفان سیاسی با عنوان "ضداسلام" پس از آن، بخش‌هایی از توده‌ها را متقاعد ساخته که بخشی از جامعه/اجتماعات "مانع سعادت" هستند و اصولاً توسل به خشونت برای ارباب آن‌ها "گریزناپذیر" است. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اتفاقاً پیش‌برندگان این نیروهای دگرستیز، به واسطه قدرت نهادی روحانیت و سلطنت، در خارج و داخل ایران، دسترسی بسیار نابرابری به امکان‌ها و فرصت‌ها نسبت به گروه‌های مورد تنفرشان داشته‌اند.

دارد؛ چراکه تکلیف دموکراسی‌خواهی با انکارگران این روند معاصر مشخص است. در واقع ما نخست دنبال این هدف هستیم که نه تنها تعریف دستگاه‌های سرکوب از "فرصت‌ها" و "تهدیدها" را دگرگون کنیم؛ بلکه دقیقاً آن را از وارونگی معنای حامل در متنشان، به حالت اصلی بازگردانیم. حالتی که تهدید جمعی در آن، بیش از آنکه ناشی از خود جمع -یا گروهی از آن- باشد، منبعث از قدرت‌های مسلطی است که منبع روایی (مشروعیت) خود را از یک منبع غیرانسانی (اسطوره، دین) تعبیر و تعریف کرده است. در نظامی دموکراتیک تکلیف پایه‌ها و مبانی مشخص است و نیازی به بحث در آن باره نیست. برای مثل بالادستی نظامیان در تعیین مسیر سیاسی مردود به شمار می‌رود و هر جریانی که سعی در حرکت خلاف این مسیر را برگزیند، احتمالاً -یا شاید قطعاً- به سبک خمینی طی طریق خواهد کرد.

خواهند بود که باید از همین امروز دغدغه یک برگ بازدارنده معتبر را در ذهن داشته باشند. برای افرادی که به روند انقلاب‌ها کم‌وبیش آشنایی دارند؛ این واقعیت محرز است که مشروعیت انقلابی به همان اندازه که می‌تواند در جهت قوام گرفتن نیروی گذار سازنده باشد، ظرفیت سرکوب خونین‌بار بخش‌هایی از جامعه -ولو فعال‌ترین انقلابی‌ها- را نیز خواهد داشت.

پس نیروهای نظامی همانگونه که ایستادنشان کنار مردم به سرنگونی رژیم فعلی کمک می‌کنند، این پتانسیل را خواهند داشت تا با بقایای این نظام، سنگ‌بنای ساختار سرکوبگر آینده را به واسطه اعتبار دوره گذار، بر شالوده انقلاب بگذارند.

بنابراین، گروه‌های در معرض خطر، باید ضمن حفظ کانال تعامل -دستکم برای امتحان شانس‌های واقعا موجود برقراری دموکراسی- با مرکز فرادست، این بازدارندگی را در شکلی وسیع ایجاد کنند که در صورت به شکست کشانده شدن مسیر آزادی، حاکم یا حکام تازه اقدام قهری برای زدودن مطالبه سیاسی آنها را غیرممکن یا پرهزینه در نظر گرفته و برخلاف تمایل درونی‌شان به رویکردی سازنده دست بیازند. بر عقل پوشیده نیست که چنین سپری مستحکمی، در گروه حفظ اعتمادسازی و درک واقعیت "هم‌سرنوشتی" در آینده برای همگان است.

برای مثال لباس زنان در کرمانشاه با اندکی تفاوت در ظاهر و تعداد تکه‌های آن با سایر نقاط کوردستان ثبت شده است، اما غالب گردشگران پوشاک مردان کورد را در کرمانشاه، سنه و ارومیه، بسیار شبیه هم دانسته‌اند، چیزی که تا امروزه هم رایج بوده و هر چند تغییرات جزئی در فرم و شکل آن راه یافته، اما به طور کلی تفاوت اساسی با ادوار گذشته نکرده است."

ثبت مشاهدات سیاحان و این تاریخ نگاری‌ها از این روی اهمیت دارد که تصویر واضحی را از پوشش مردمان کوردستان و به طور خاص شهر کرمانشاه، که مورد بحث این مقاله است را به ما نشان می‌دهد؛ که مردمان این دیار از دیرباز با اندکی تفاوت با دیگر نقاط کوردستان، پوشش اصیل کوردی داشته‌اند که سبب تمایز و بازشناخت آنان از هویت‌های دیگر می‌شده است. مسئله‌ای که بعد از اعمال سیاست‌های آسمیلاسیون در کلان شهر کرمانشاه می‌رفت تا به دست فراموشی سپرده شود. سیاست‌هایی استعماری، که برای حذف فرهنگ کوردی در بزرگترین شهر کوردستان، با تعریف دوگانه‌ی ملی-محلی، کوشید تا فرهنگ فارس را ملی و فاخر، و فرهنگ کوردی را پیش پا افتاده و محلی جلوه دهد و در راستای همین سیاست‌ها، بارها و بارها لباسی را که در دیگر مناطق کوردستان به صورت رسمی هم استفاده می‌شود را در کرمانشاه ممنوع کردند. برای مثال از حضور آقای جلیل آهنگر نژاد مدرس نام آشنا، در آخرین روز تدریسش با لباس کوردی ممانعت به عمل آوردند، در خاک کوردستان، خود را صاحب خانه فرض کرده و برای ساده‌ترین و طبیعی‌ترین حق یک انسان یعنی انتخاب لباس تصمیم گیری کردند؛ مبادا کسی بخواهد فرهنگ این مردم را به آنان یادآوری کند.

اما چرا کرمانشاه آیا جز اهمیت این شهر به عنوان مرکز کوردستان، موقعیت استراتژیک و تاریخ پرشکوه آن است؟! ایادی فاشیسم و تمامیت‌خواهی در جدیدترین اقدام، گام را فرا تر نهاده با گستاخی تمام از ورود دو شهروند با لباس کوردی به محوطه‌ی تاریخی تاقوه‌سان ممانعت به عمل آورده بودند. مکانی تاریخی که یادآور تاریخ باشکوه دیار کوردستان است. اقدامی که خوشبختانه با خشم عمومی مردم کرمانشاه مواجه شد و آنان این اهانت و گستاخی را برنتابیدند تا مزدوران در خاک وطن خودشان، تازیانه به صورت فرهنگ اصلیشان بکشند.

و به دنبال این اهانت بزرگ، براساس فراخوانی از پیش تعیین شده از سوی شورای آزادی‌خواهان و فعالین فرهنگی این شهر، با پوشش کوردی در محوطه‌ی تاریخی تاقوه‌سان حضور یافتند تا ضمن رساندن صدای اعتراض خود به گوش مجریان سیاست‌های استعماری، این مهم را به همگان نشان دهند که کسی نمی‌تواند هویت آنان را تعریف کند.

در روز جمعه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۲ و به دنبال فراخوان فوق‌الذکر، علیرغم جو امنیتی بسیار شدید، در میدان تاقوه‌سان، شمار زیادی از مردم کرمانشاه اعم از زن و مرد، با لباس کوردی در این مکان تاریخی حضور یافتند.

در ساعات نزدیک به فراخوان، نیروهای امنیتی به صورت گسترده‌ای دور میدان و حتی ورودی محوطه‌ی تاریخی تاقوه‌سان حضور یافتند و جو امنیتی شدید و ملیت‌پره‌های را با هدف ایجاد رعب و وحشت به وجود آورده بودند. در داخل محوطه نیز نیروهای امنیتی، انتظامی، گشت حجاب و لباس شخصی نیز دیده می‌شدند که ضمن تذکر به افرادی که با پوشش کوردی مشغول بازدید بودند با اخذ کارت شناسایی، اسامی آنان را یادداشت می‌نمودند. اما علیرغم تمام این فشارها و ایجاد فضای رعب و وحشت، کرمانشاه‌یی‌ها با پوشیدن نماد هویتشان اعتراض خود را به سرکوب‌های سیستماتیک و آسمیلاسیون حکومتی نشان دادند.

مردمی که به خوبی از اهمیت پوشش به عنوان بخشی از هویت اجتماعی واقف بودند و از آن همچون بستری برای طرح گفتمان و مواضع خود، استفاده کردند و با میانجی همین زبان پوشش، بخشی از مطالبات و مواضع خود را در سطوح سیاسی و اجتماعی، فریاد زدند.



لباس کوردی به مثابه هویت

باوان کرمانشانی

هویت دربرگیرنده عناصر گوناگونی است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های مربوط به هویت، می‌توان به پوشاک و لباس افراد یک جامعه اشاره کرد که تاثیر پذیرفته از تاریخ، جغرافیا، میراث سیاسی، فرهنگ و ادب همان جامعه است. به طور کلی پوشاک از اصلی‌ترین نشان‌های هویتی در جوامع به حساب می‌آید. پوشاک مردم در کوردستان نیز به عنوان یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری، نه فقط به منظور جلوگیری از سرما و گرما و پوشش بدن، که به عنوان یکی از شاخص‌های هویتی، مطرح بوده و هست و به سبب در معرض دید مستقیم قرار داشتن، سهم قابل ملاحظه‌ای از گزارش گردشگران و جهانگردانی که به کوردستان سفر کرده‌اند را به خود اختصاص داده است. دقت سفرنامه نویسان در ثبت جزئیات آن، عامل مهم آگاهی ما از سبک و نوع پوشش دوره‌های پیشین است.

لباس کوردی از دیرباز مورد توجه توریست‌ها بوده و اغلب درباره‌ی آن اظهار نظر کرده‌اند. جرج کرزن پوشش مردم در کوردستان را یکی از عوامل تمایز کوردها از ایرانی‌ها دانسته است، پوشاک کوردها معمولاً سبب تشخیص آنها از دیگر گروه‌ها می‌شده است، تا جایی که برخی از گردشگران بر این باورند که کوردها را می‌توان از روی بالاپوش و دستار، به طور کلی از دیگر مردمان بازشناخت. گردشگران علاوه بر تشخیص تفاوت لباس کوردها با سایر ملل ایران، تفاوت جزئی لباس بین نقاط مختلف کوردستان را هم ثبت کرده‌اند. تانکوانی با ذکر نمونه‌ای در یکی از نامه‌هایش درباره تفاوت لباس کوردها چنین نوشته است: "لباس آن‌ها برحسب ایالت‌های مختلف، تغییراتی هرچند جزئی پیدا می‌کند.

مبارزه زندگی است



رضا دانشجو
دسته فیلم‌هایی
است که تا مدت‌ها

ذهن را درگیر می‌کند، می‌شود هر صحنه‌اش را به داستان کسی گره زد. روایتی بی نظیر از تسلیم نشدن و تن در ندادن به بی عدالتی. جایی که فریاد دادخواهی ات را نمی‌شوند و ناگزیر باید مسیر دیگری را برای احقاق حق انتخاب کرد. اینجا آغاز یک مبارزه است، یک طرفش تسلیم شدن و تن در دادن به خواسته ظالم است و سمت دیگر رهایی است. رهایی که بیشتر اوقات ساده بدست نخواهد آمد و مستلزم عبور از سختی‌ها و گردنه‌های صعب‌العبور است. اراده سست و تردید پایان این مبارزه است جایی که احساس بر اراده غلبه پیدا می‌کند و به قول معروف باید در مقابل سرنوشت تسلیم شد.

آنچه "پاپیون" را فیلمی متفاوت و قابل اعتنا می‌کند اراده خستگی ناپذیر قهرمان فیلم در این مبارزه است. هیچ چیز نمی‌تواند او را متوقف کند، نه سلول انفرادی او را از تلاش برای فرار می‌ترساند و نه شکارچیان انسان می‌توانند او را مردد کنند، تردید نقطه آغاز شک کردن به درستی یک تصمیم است. او همنشینی با جذامی‌ها را می‌پذیرد با اینکه می‌داند این همنشینی می‌تواند به منزله انتقال این بیماری خطرناک باشد اما به راهی که انتخاب کرده است ایمان دارد، می‌داند ته این مسیر دشوار رهایی است. تبعید به جزیره شیطان اوج این مبارزه است، جایی که او دوباره رفیق قدیمی‌اش را ملاقات می‌کند، دوباره می‌خواهد او را متقاعد کند که اینجا هم می‌توان به آینده امیدوار بود، اما این جزیره یک مرز است میان او و دوستی که دیگر از مبارزه خسته شده است. در نگاه رفیق او، دیگر مبارزه جواب نمی‌دهد، باید تسلیم تقدیر شد. انتخاب او ماندن در این جزیره و انتظار برای مردن است. اما پاپیون دست بردار نیست ناامید نمی‌شود، او برای رفیقش از دنیای قشنگ تر حرف می‌زند، از زندگی، از مبارزه برای آزادی. هر طور شده رفیقش را متقاعد می‌کند که مسافر مسیر آزادی شود. موسیقی بی نظیر و فرازمینی "جری

شکل و صورتی، بخشی جدایی ناپذیر از حیات سیاسی حزب دموکرات است، این نشان افتخار باید به هر شکل ممکن حفظ شود. این نشان افتخار حاصل خون هزاران شهید سرافراز است و قابل چشم پوشی نیست. مبارزه زندگی است و تسلیم شدن پایان غم انگیز رویای رهایی. واژه‌ها نمی‌توانند حقیقت را تغییر دهند، این موقعیت‌ها هستند که به واژه‌ها هویت می‌دهند.

آنها که بر طبل ناامیدی می‌کوبند و با تلقین این تفکر که "این شکل مبارزه جواب نمی‌دهد" همان رفیق از مبارزه خسته داستان "پاپیون" هستند که می‌خواهند بی ارادگی خود را به دیگران تسری دهند، دنبال این هستند که تفکر اشتباه خود را توجیه کنند. از "جزیره شیطان" هم می‌شود فرار کرد اگر معتقد به مبارزه بود و اگر به رهایی باور داشت، آن وقت می‌توان مسافر امواج سهمگین اقیانوس شد و سوار به تکه چوبی به سرنمزل مقصود رسید. باید مبارزه را باور داشت، باید به آزادی ایمان آورد آنوقت می‌توان به آینده چشم دوخت، آنجا که این بار بر عکس داستان "پاپیون" رو به اشغالگران در حال فرار و ترک کوردستان کسی فریاد می‌زند: "حرامزاده‌ها، دیدید آخرش فرار کردید."

نمی‌تواند باشد. اهمیت موضوع از این جهت است که آنچه دموکرات را تا کنون سرپا نگهداشته و باعث شده همچنان به عنوان جریانی تاثیرگذار در کوردستان مطرح باشد حرکت در جهت نیازها و خواست‌های کوردستان ایران است. آگاهی از این موضوع جدا از اینکه می‌تواند عاملی بسیار دلگرم کننده در مسیر عبور از بحران‌ها برای حزب دموکرات باشد به همان میزان تصمیم گیری در این حزب را هم دشوار می‌کند. شرایط پیچیده این روزها در جغرافیای خاورمیانه، فشار اشغالگران بویژه رژیم جمهوری اسلامی، جنگ قدرت در خاورمیانه، حساسیت این مطلب را دو چندان می‌کند.

تصمیم گیری‌های سیاسی بخشی از فرایند کاری یک حزب است و می‌تواند بسته به شرایط و اقتضای محیط گاه‌ها دلخواه مردم نباشد، اما خطوط قرمز مردم کوردستان ایران به هیچ عنوان قابل عبور نیست و نخواهد بود. به عنوان نمونه توقف نبرد مسلحانه در چندین بازه زمانی مختلف می‌تواند به عنوان یک تصمیم سیاسی تابع شرایط دسته بندی شود.

عنصر مبارزه در مقابل اشغالگر به هر

تنگناها و موانع بسیاری عبور کرده است، از اعدام و ترور رهبران و صدها کادر و اعضا تا کوچ اجباری و آوارگی، از حمله نظامی تا موشک باران، از تلاش برای ایجاد تفرقه تا ... اما آنچه باید گفته شود علیرغم همه این اتفاقات تحمیلی توسط اشغالگران و برخی از رخدادهای ناخوشایند داخلی مانند تجزیه و انشعاب، حزب دموکرات توانسته است به عنوان قدیمی ترین حزب سیاسی فعال نه تنها در جغرافیای کوردستان بلکه در ایران پویاتر از گذشته به فعالیت خود ادامه دهد.

در مقام مقایسه باید گفت بسیاری از احزاب قدیمی که زمانی توان بسیج میلیونی داشتند و تعداد اعضایشان به هزاران نفر می‌رسید اینک نه نامی دارند و نه نشانی. شاید مهم ترین دلیل این تفاوت را در روند شکل گیری این احزاب باید جستجو کرد. بیشتر این احزاب حاصل یک تفکر رایج زمانی و در واقع تابعی از تحولات جهانی و منطقه‌ای بوده‌اند در حالیکه حزب دموکرات برخاسته از خواست و نیاز جامعه کوردستان و حاصل یک تکامل فکری از ژ_کاف تا جمهوری کوردستان می‌باشد. در واقع حزب دموکرات هرگز چیزی جدا از جامعه کوردستان نبوده و

گلد اسمیت" بخشی جدایی ناپذیر از این داستان امید بخش است، پیوسته و بی توقف. سکانس پایانی پاپیون یک شاهکار به تمام معناست، جایی که پاپیون و دوستش موریس در حال وداع هستند، علیرغم همه تلاش‌های پاپیون، موریس دوباره ساز مخالف می‌زند، او پشیمان شده است می‌ترسد و جا می‌زند، به پاپیون همه توصیه می‌کند که نرود، چون کشته خواهد شد! چاره‌ای نیست، پاپیون نمی‌تواند بیشتر از این کاری برای موریس بکند، با او وداع می‌کند و بی ترس از امواج سهمگین اقیانوس سوار بر چند تکه چوب، به سمت رهایی می‌رود، سخت اما ممکن، او میان انتظار برای مرگ و تلاش برای زنده ماندن، راه دوم را انتخاب می‌کند. شکست‌ها هرگز نتوانسته‌اند اراده او را از بین ببرند او حالا مصمم تر از همیشه است، آزادی رایگان بدست نخواهد آمد باید هزینه داد. پاپیون در حال دور شدن از جزیره شیطان، به سمت رهایی است و آنچه سالهاست در گلویش مانده را فریاد می‌زند: "حرامزاده‌ها، نگاه کنید من هنوز زنده‌ام"

حزب دموکرات کوردستان ایران در سال‌ها مبارزه با دو رژیم فاشیست، از

دو ائتلاف سیاسی مخالف رژیم ایران به همدیگر پیوستند



دو ائتلاف سیاسی شورای دموکراسی‌خواهان ایران و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران، طی اطلاعیه‌ای به همدیگر پیوستند و از این پس با نام "همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران" به فعالیت‌های خود ادامه خواهند داد.

اطلاعیه به هم پیوستن دو ائتلاف سیاسی بدین شرح است: در آستانه سالگرد خیزش انقلابی ژینا- مهسا و در پاسخگویی به ضرورت همگرایی و همکاری گسترده نیروها و جریانات جمهوری‌خواه دموکرات، دو ائتلاف سیاسی "شورای دموکراسی‌خواهان ایران" و "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"، طی نشستی که در روزهای ۷ و ۸ مرداد ۱۴۰۲ (۲۹ و ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۳) برگزار شد، به هم پیوستند و از این پس با نام "همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران" به فعالیت‌های خود ادامه خواهند داد. در شرایطی که به رغم سرکوب‌های خشونت‌بار و وحشیانه رژیم، انقلاب "زن زندگی آزادی" به اشکال گوناگون در بستر جامعه جاریست، ما بر این باوریم که به هم پیوستن این دو ائتلاف، اقدامی مسئولانه در ادامه مبارزه علیه حاکمیت تمامیت‌خواه و جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی ایران و گامی موثر از مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردمان ایران است.





غوطه‌ورسازی یادگیری و تاثیرات منفی آن



جمال رسول دنخه

غوطه‌ورسازی یادگیری فرآیندی است که در این روش در یادگیری و آموختن زبان غیررسمی از آن بهره می‌جویند. یعنی این که فرد برای آموختن مثلاً زبان فرانسوی در طول روز با کسانی در ارتباط است که با زبان فرانسوی صحبت می‌کنند و فرد کاملاً وارد فضای آن زبان می‌شود. مثل این که یک کورد به فرانسه برود و در آنجا این زبان را فرا گیرد.

وزارت آموزش و پرورش رژیم ایران تعریفی که از این روش دارد به دو صورت مجزا می‌باشد. نخست این که آن را به فردی نسبت می‌دهد که وی مادرزادی در یک جایی به دنیا آمده است که همه با آن زبان صحبت می‌کنند و متکلم آن را می‌آموزد. مثلاً فردی که لور است به سبب به دنیا آمدن در لورستان لوری یاد می‌گیرد یا کسی که تورک، بلوچ یا از سایر ملت‌های ایران باشد. دوم این که وزارت آموزش و پرورش رژیم ایران این روش را در کل سیستم آموزشی نهادینه کرده است. دانش آموز تا زمانی که در مقاطع عالی تحصیلی فارغ التحصیل می‌شود در این دایره می‌چرخد و دانش او حول محور "طوطی‌وار" می‌گردد.

موضوعی که در دانش آموزان ایران وجود دارد این است که دانش آموزان منابعی از کتب درسی را مطالعه می‌کنند که این منابع درسی به‌روز نیستند. منابعی بوده که به جای آن که دانش آموز یاد بگیرد بیشتر سوق داده می‌شود که می‌داند، ولی در اصل این است که واقعا نمی‌داند که نمی‌داند [اشاره به همان شعر نمی‌داند].

وقتی دانش آموز از مقاطع ابتدایی با این روش جزئی به صورت کلی در فرایند آموزش قرار می‌گیرد فردی می‌شود که وی آنچه را می‌داند به همه موضوعات تعمیم می‌دهد. نمونه بارز این غوطه‌ورسازی یادگیری در دروس تاریخ روی می‌دهد. البته باید این نکته را اشاره کرد تاریخ در سیستم آموزش و پرورش ایران تنها دکوری از مباحث تاریخی است و بیشتر تهافت و انکار واقعیت است.

فردی که بر اساس این روش غوطه‌ورسازی یادگیری چیزی را آموخته است دیگر دنبال چرایی موضوعات نمی‌گردد تا آن را با شاقول فکر بسنجد. برای مثال در درس تاریخ اشاره شده است که "منشور حقوق بشر" نخستین بار از سوری کورش نوشته شده است و سپس این موضوع به نمادی مقدس و نایاب تبدیل شده است و در صورت‌های مختلف در ذهن دانش آموزان گنجانده می‌شود و سپس فرد در دوران بزرگسالی نیز این باور را دارد که کورش این منشور را نوشته و هیچ نقد و تفسیری را نه تنها نمی‌پذیرد بلکه به شخص گوینده نیز حمله‌ور می‌شود.

این موضوع غوطه‌ورسازی امروز در ابعادهای بسیار گسترده و مختلفی در تمامی سطوح جامعه ریشه دوانیده است. احمد کسروی از طرفداران سرسخت شونیسیم مرکزگرایی در مقاله‌ای که تحت فرهنگ است یا نیرنگ به مباحثی از این قبیل اشاره می‌کند که آموزش و پرورش در بسط و گسترش مفاهیمی دور از منطق مشغول چه کارهایی است. این موضوع به حدی فراگیر است که حتی مداحان رژیم ایران نیز با نثرهای آهنگین خود به دروغ پردازی‌های می‌پردازند که گاه‌گاهی صدای خود مسئولان رژیم را در آورده است. در شبکه‌های اجتماعی به وفور شاهد هستیم در قالب طنز دروغ‌های آخوندها را چگونه پخش می‌کنند.

مثلاً نمونه بسیار مشهود آن این است که یکی از آخوندها پای منبر داستانی را تعریف می‌کند که وقتی علی خامنه‌ای رهبر رژیم جمهوری اسلامی ایران از مادر متولد می‌شود با صدای بلند می‌گوید: "یا علی!!!" کدامین منطق و عقل و فهم بر این سخن باور دارد. اما باید گفت این مصداق‌ها در کتب درسی در قالب‌های مختلف به ذهن دانش آموزان خورنده می‌شود و سپس باورش می‌شود. برای نمونه به منشور حقوق بشر کوروش مراجعه می‌کنیم.

این یادگیری طوطی‌وار موجب می‌شود که فرد بدون اندیشه چرا و چگونگی به آموختن یا ازبرکردن مطالب اکتفا کند. این یادگیری موجب می‌شود که شخص در طول زندگی حکم‌هایی را در باب قضایا صادر کند که فاقد استدلال است. برای تفهیم سخنان خود کلماتی را به کار می‌گیرد که در ذهن گوینده نیست.

اکنون در این رابطه به کودکانی اشاره خواهیم کرد که فارس نیستند و بالاجبار باید فارسی بخوانند و بنویسند. یادگیری طوطی‌وار یکی از این نمونه‌های یادگیریست که سبب می‌شود کودک بدون هیچ درکی از موضوع فقط آن را به خاطر بسپارد. یادگیری طوطی‌وار سمبل یادگیری کور و عین مطلب است، بدون داشتن هرگونه خلاقیت و نوع آوری.

برای یادگیری بسیار مهم است که فرد بتواند یک صفت را از آن پدیده جدا کرده و به صورت عام و انتزاعی بررسی نماید. روش طوطی‌وار از شیوه‌های تدریس سنتی بوده است. در این روش فقط تکرار می‌شود تا یاد گرفته شود. البته بدون یادگیری معنایی. مشق نویسی، حفظ جدول ضرب، حفظ شعر و ابیات فارسی و غیره همه نمونه‌هایی هستند که دانش آموز بدون درک معانی آن را حفظ می‌نماید.

هیچ دانش آموزی وجود ندارد صرفاً مطالبی خاص و مشخص به وی سپرده شود تا آن را حفظ کند و سپس بازپس دهد. کودکانی که در مدارس برای نخستین بار وارد جامعه‌ای به نام مدرسه می‌شوند کسانی هستند مایل هستند شناخت پیدا کنند تا جهان هستی را درک نمایند نه این که به آن القا شود که حسین فهمیده زیر تانک برود و آنان نیز این را از وی یاد بگیرند.

چرا که همیشه تانک نیست و همیشه جنگ وجود ندارد.

این موضوع سدی در برابر اندیشه است. اندیشه‌هایی که می‌تواند راهگشای زندگی فردی و حتی جامعه شود. تا کنون با حفظ کردن علم پیشرفت نکرده است بلکه آنچه علم را به سوی پیشرفت سوق داده است

همان انتقاد، تفکر، آزمایش و تحقیق بوده است. در جامعه ایران نظر کنید سطح تولید علم چگونه است؟ تولید مقالات علمی در سطحی است؟ وضعیت تحصیل چگونه است؟ رغبت به تحصیل چگونه است؟ و چندها سوال دیگر.

این موضوع بسیار پیچیده است تا جایی که اگر مبالغه نکنیم گره و سدی که جامعه امروز ایران با هر نوآوری و نوگرایی مخالفت می‌ورزد همین تاثیرات یادگیری غوطه‌ورسازی است. چرا که فرد چنین تربیت یافته است که دانایی در پیش اوست و هر چه او می‌داند همان حقیقت است. "مایکل ورتایمر" می‌گوید: "شخصی که تنها بر اساس حفظ طوطی وار اطلاعات و قواعد و بدون فهمیدن آن هاعمل می‌کند، ممکن است مرتکب اشتباهات ابلهانه‌ای بشود؛ مانند پرستاری که در نوبت شبانه بازدید خود از بیماران، آنان را از خواب بیدار می‌کند تا قرص خوابشان را بدهد.

من هم که فکر می‌کنم خیلی وقت‌ها مثل آن پرستار هستیم و ما معلمان خواب خلاقیت دانش آموزانمان را با قرص یادگیری طوطی وار و محفوظات به هم می‌زنیم."

کمتر کسی پیدا می‌شود که از سیستم ۱۲ ساله آموزش و پرورش خارج شود و از عملکرد آن راضی باشد. چیزی که غلط است غلط است دیگر! در چند دهه اخیر اما دولت‌ها ادعا کرده‌اند که تمام تلاش خود را برای بهبود وضعیت آموزشی و پرورشی کودکان و نوجوانان به کار گرفته‌اند. سیستم‌های آموزشی پس از انقلاب به ۴-۳-۵ و ۱-۲-۳-۵ تغییر کرد و سال‌ها طول کشید تا مسئولان متوجه شوند این سیستم پاسخگو نیست! اما چه کسی پاسخی هم داده است؟ هیچ کس.

شاید بهتر است نگاهی جزئی‌تر به نظام آموزشی رژیم ایران داشته باشیم. آنجا که دیگر تنها دولت‌ها و وزارتخانه آموزش و پرورش مقصر اصلی نیستند! حال انگشت اتهام به سوی موسسات و انتشارات آموزشی است؛ آن‌ها که سال‌ها یار و یاور دانش‌آموزان بودند.

کتاب‌های کمک آموزشی بی‌راه‌های بود که به کمک آن می‌شد تکالیف در خانه را در کمترین زمان ممکن به ثمر برساند. این کتاب‌ها سال‌ها راهنمای دانش‌آموزان برای فرار از انجام تکالیف بود. حال اینکه نظام آموزشی نیز همین را می‌خواست؛ انجام تکالیف به هر قیمتی که شده!

با سازوکارهای از پیش تعیین شده و موضوعات کلیشه‌ای در مدرسه؛ کودک یاد می‌گیرد که نه برای به کاربردن واقعی دانسته‌ها یاد بگیرد، بلکه یاد بگیرد که دیگران را راضی کند. یاد می‌گیرد که حرف‌هایی که اعتقادی به آن ندارد را به صورت طوطی‌وار حفظ کرده و اظهار کند. یاد می‌گیرد در زندگی مشی دورویی را اتخاذ کرده، و برای پرهیز از رسوا شدن، همرنگ جماعت شود. یاد می‌گیرد روحیه کنجکاوی، اکتشافگری و ابداع خود را سرکوب کرده و فقط منتظر خوراک محتوایی آماده‌ای که برای او آماده شده است، بشود؛ و اگر خوراک محتوایی هم به او داده نشد، هیچ حرکتی از خود برای یافتن و ایجاد آن انجام ندهد.

این مواردی که ذکر شده است به صورت کلی اشاره گردیده و هر کدام از این موضوعات خود دارای مسائل منفی دیگری هستند که به نوبه خود بر جامعه تاثیر منفی خواهند داشت.

سرانجام این غوطه‌ورسازی یادگیری همان چیزی است که امروز ما شاهد آن هستیم در هر گوشه و کنار این جامعه هر روز پدیده‌ای نامتعارف بوجود می‌آید که به جای این که مثبت و سودمند باشد مورد سرکوب جمعی از آگاهان جامعه می‌شود و در بیشتر موارد هم نسخه‌برداری شده و پیوسته تولید می‌شود.

بلاگرها، طنزهای بی‌مایه، چانه‌زنی، مدسازی، متلک گویی، ناپهنجاری‌ها جامعه همه و انواع از این دست نمونه‌ها در گرو این نوع آموزش است که در بزرگسالی دامن فرد و سپس جامعه را می‌گیرد. هیچ کس جوابگوی این نوع سیستم نیست چرا که در پشت پرده این آموزش سازمانی با بودجه‌ای نهفته است که تنها در فکر بلعیدن پول می‌باشد نه این که هم و غم جامعه را داشته باشد. نتیجه آن می‌شود که قشری از افراد با مهارت و نخبه به جای زندگی و وقف عمر خود در جامعه چمدان به دست گرفته و به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند و آن چه برای این جامعه می‌ماند جمعی هستند که فاقد توانایی حل مسائل را داشته باشند. موضوعی که امروز از آن به عنوان فرار سرمایه انسانی و نخبگان جامعه از آن یاد می‌شود.

بازداشت حداقل ۱۳۱ شهروند کورد در ماه گذشته میلادی

در ماه جولای ۲۰۲۳ میلادی، حداقل ۲۲۵ شهروند در سراسر ایران از سوی نیروهای رژیم بازداشت شده‌اند که ۱۳۱ مورد از بازداشت‌ها مربوط به شهروندان کورد بوده است.	که در مقایسه با ماه قبل‌تر با ۱۶۸ بازداشتی، ۵۷ مورد، معادل ۳۴ درصد افزایش داشته است.	همچنین طی ماه جولای، حداقل ۱۳۱ شهروند کورد از سوی مراکز حکومتی رژیم ایران بازداشت شده‌اند که در مقایسه با ماه ژوئن، ۵۴ مورد معادل ۷۰ درصد افزایش یافته و ۵۸ درصد کل بازداشت‌شدگان ماه گذشته میلادی را شامل می‌شود.	بازداشت‌شدگان، ۹ شهروند ترک معادل ۴ درصد بازداشت‌شدگان و ۷ شهروند لر و بختیاری، همچنین ۷ شهروند گیلک و مازندرانی معادل ۶ درصد کل بازداشت‌شدگان از سوی نیروهای رژیم جمهوری اسلامی ر بوده و بازداشت شده‌اند.	شایان ذکر است که بازداشت پیروان اقلیت‌های دینی در ماه جولای همچون
براساس آمار "هه‌نگاو"، در ماه جولای ۲۰۲۳ میلادی، دست‌کم ۲۲۵ شهروند در سراسر ایران از سوی نیروهای رژیم جمهوری اسلامی بازداشت شده‌اند	بنابر این آمار، در ماه گذشته میلادی حداقل ۱۳۱ شهروند کورد معادل ۵۸ درصد کل بازداشت‌شدگان در ایران، ۱۹ بلوچ، همچنین ۲۹ زن و کودک و ۱۱ شهروند بهایی از سوی نیروهای رژیم بازداشت و ربوده شده‌اند.			

نیروهای رژیم از برگزاری مراسم زادروز شهید محمد حسن زاده جلوگیری کردند



نیروهای سرکوبگر رژیم ایران برای ممانعت از برگزاری مراسم زادروز شهید «محمد حسن زاده» بر سر مزار نامبرده، درب آرامستان بوکان را بستند.

روز دوشنبه ۹ مردادماه، نیروهای سرکوبگر رژیم ایران با بستن درب ورودی آرامستان بوکان، مانع برگزاری مراسم زادروز محمد حسن زاده، از شهدای انقلاب ژینا شده و از ورود افراد به این آرامستان ممانعت بعمل آوردند.

بر اساس ویدیوی منتشر شده، تعداد زیادی از مردم درصدد حضور در مراسم یادروز شهید محمد حسن زاده بوده که با ممانعت نیروهای سرکوبگر رژیم برای ورود به آرامستان مواجه می‌شوند.

محمد حسن زاده، ۲۸ ساله، مورخ ۲۵ آبان‌ماه ۱۴۰۱، در جریان انقلاب «ژن زیان نازادی» در شهر بوکان، با شلیک مستقیم نیروهای رژیم جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید.

شایان ذکر است که مزار شهدای انقلاب ژینا به مکانی برای تجدید میثاق با شهیدان و تداوم انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی مبدل گشته، لذا رژیم ایران جدا از ممانعت از حضور مردم بر سر مزار شهدا، از طریق عوامل خود و طی اقداماتی شنیع، در تلاش برای تخریب مزار شهدای انقلاب ژینا بوده است.

تظاهرات علیه ورود مسئول کمیته مرگ رژیم ایران در سال ۶۷ به آلمان



اخباری مبنی بر سفر «حسینعلی نیری»، یکی از مسئولان اصلی کشتار دسته‌جمعی سال ۶۷ شمسی به آلمان جهت مداوای پزشکی موجی از اعتراضات بین فعالان سیاسی کوردستانی و ایرانی را به دنبال داشته است.

پس از آنکه شایعاتی مبنی بر رفتن یکی از قاتلان اصلی سال ۶۷ و مسئول کمیته مرگ در ایران به آلمان جهت مداوای پزشکی منتشر شد، فعالان سیاسی کوردستانی و ایرانی در مقابل بیمارستان خصوصی پروفیسور سمیعی که پزشکی ایرانی بوده و پیشتر نیز چند تن از مسئولان رژیم ایران را عمل کرده بود، تجمع کردند.

در همین ارتباط، برخی از فعالان سیاسی با ارسال شکایت به دستگاه قضایی آلمان، خواستار محاکمه نامبرده بدلیل جنایات خود شده و انتظار می‌رود که اعتراضات گسترش یافته و در دیگر کشورهای اروپایی نیز تظاهراتی در این خصوص برگزار شود.

همچنین دستگاه قضایی آلمان و وزارت خارجه این کشور در این رابطه تاکنون واکنشی نشان نداده‌اند.

شایان ذکر است که اعضا و هواداران حزب دموکرات در این تظاهرات حضور گسترده‌ای داشته‌اند.

آدرس درست کجاست؟

قبل از خداحافظی



مترقی‌خواه را حل در اندیشه‌های مرتجع خود کنند.

نتیجتاً در شرایط کنونی و در پی فداکاری، قربانی دادن‌های بسیار و همچنین مبارزه‌ای پیگیرانه و مسئولانه آدرسی معین و شناسنامه‌دار که نسبتاً فراگیر و معترف به کثیرالملله بودن ایران و همچنین وجود تبعیض سیستماتیک در این کشور است، ایجاد شده است. می‌توان گفت که این ائتلاف فصل نوینی از روابط ایرانیان با هم است که با گردهم آمدن و تحمل دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً ضد هم، به درکی واقعی از ایران و ایرانی بودن رسیدند که امیدبخش است. به معنای دیگر می‌توان گفت که تغییری در رویکرد ایرانیان نسبت به ایران و ایرانی بودن ایجاد شده که نویدبخش آینده‌ای غیر از آن چیزی که از صد سال پیش تاکنون بوده است. ایرانی که وطن مشترک همه و ایرانی بودن که متشکل از هویت‌های متفاوت ملی، مذهبی و جنسیتی و غیره باشد.

ایران و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران» با پیوستن به هم ائتلافی وسیع‌تر و فراگیرتری را تحت عنوان «همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران» تشکیل دادند. مبنای این ائتلاف که خود را «همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران» تعریف کرده، این است که «ایران کشوری بیشتر است که در آن به صورت سیستماتیک حقوق و وجود ملل، مذاهب و دیگر تنوعات و همچنین حقوق بشر نقض می‌شود و هدف از تاسیس این ائتلاف نیز مبارزه برای برابری همه‌ی تنوعات (ملل، ادیان، مذاهب و دیگران) در برابر قانون است. قانونی که همه‌ی را محترم شمرده و به حقوق برابر همه‌ی مردم ایران با هر رنگ و باوری که باشند احترام بگذارد.

البته بودند ائتلاف‌هایی که تلاش کردند دزدکی نامی از تنوع ببرند. البته تنوعی که با خوانش جمهوری اسلامی فرق چندانی نداشت و بیشتر درصدد بودند ملل، ادیان و افکار

مورد این مسائل به مصلحت جنبش و انقلاب نیست، طفره می‌روند. علت طفره رفتن هم مشخص است، آن‌ها همان دیدگاه و نگاه را به تنوعات ملی، مذهبی و فکری و ... دارند که رژیم‌های پهلوی و جمهوری اسلامی داشته و دارند. اما خوشبختانه طرف مقابل یعنی ملل تحت ستم، آزادی‌خواهان ایرانی و زنان و بسیاری دیگر با مبارزه‌ای ستودنی امروزه بهتر و متشکل‌تر از گذشته قد علم کرده و درصدداند برعکس نگاه مرکز، با اعتراف به متنوع بودن ایران حول محوری مشترک گردهم آیند و ضمن احترام به هویت‌های متنوع موجود و عدم تلاش برای هضم و حل آن‌ها در قالبی بزرگتر، به آدرسی تبدیل شوند که دموکراسی‌خواهان، آزادی‌خواهان، برابری‌طلبان و باورمندان به حقوق بشر را دور یک ائتلاف فراگیر جمع کنند.

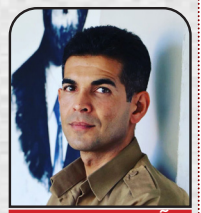
در همین راستا و در آستانه سالگرد انقلاب «ژینا» (ژن، ژیان، نازادی)، دو ائتلاف «شورای دموکراسی‌خواهان

شد با دیده امنیتی بدان نگریسته شده و در اسرع وقت سرکوب و به گفته خودشان تلاش می‌کنند آن را در نطفه خفه کنند. متأسفانه در پی این نگاه و سیاست مرتجع و ناقص حقوق بشری، تا حدودی مردم ایران به ویژه مرکز نشینان نیز تحت شعاع قرار گرفته و از این منظر به قضیه می‌نگرند که هر گونه بحث و جدلی پیرامون مسئله متنوع بودن ایران -البته آنچنان که هست نه به آن شکلی که در مرکز تعبیر می‌شود- تهدید تلقی شده و نتیجتاً فضای ایجاد کرده‌اند که یا باید تسلیم اراده تهران شد یا با انگ‌های همچون تجزیه‌طلب، آدم‌کش، عقب مانده و ... مواجه خواهی گشت.

این رگ سرطانی متأسفانه به خارج از مرزهای ایران نیز سرایت کرده و اپوزیسیون‌ها و حتی اپوزیسیون واقعی را هم تحت تأثیر قرار داده و هر گاه بحث از متنوع بودن ایران به میان می‌آید، خیلی زود گارد گرفته و با این توجیه که در شرایط کنونی بحث در

هر کسی که در ایران زیسته و یا با ایرانیان در ارتباط بوده باشد، باید این واقعیت را پذیرفته باشد که ایران کشوری با تکثرهای گوناگون است. کشوری که در آن ملل، ادیان، مذاهب، فرقه و دیدگاه و بسیاری گرایش‌های فکری متفاوت و در برخی موارد متضاد هم وجود دارند. اما مسئله این است که دو رژیم پیشین (پهلوی) و کنونی (جمهوری اسلامی) همواره این تنوعات را انکار کرده و صحبت کردن از آن‌ها را به اقدام علیه امنیت ملی تعبیر کرده و می‌کنند.

طی این مدت که سیاست انکار و نهایت حل تنوعات و به ویژه تنوعات ملی در ایران تحت حاکمیت پهلوی و جمهوری اسلامی شروع شده و تأثیر مخربی را بر پیکره جوامع ایران ایجاد کرده است، هر گونه بحث از وجود این تنوعات همچنان که گفته



ارمان حسینی